

میدون و سوفیا

تورا به زبان فارسی دوست دارم



پوریا عالمی

● سوفیا... عشقم... امروز روز عشق وعاشقی است. البته خارجی‌ها همان‌طور که حقوق بشر را از کوروش ما دزدیدند، همان‌طور که مولـوی را از ما دزدیدند، بردند قونیه، همان‌طور که تام‌جرری را از موش و گربه عبید زاکانی دزدیدند و کارتون ساختند، همان‌طور که ترامپ را از روی احمدی‌نژاد دزدیدند و کردندش رئیس‌جمهور آمریکا، همان‌طور که جشنواره فیلم را از ما دزدیدند و اسمش را گذاشتند اسکار، همان‌طور که جوشانده شلغم و زنجبیل ملاییناس را از ما دزدیدند و اسمش را گذاشتند کپسول، همان‌طور که خط میخی را از ما دزدیدند و اسمش را گذاشتند صفر و یک و باهاش برنامه‌نویسی کامپیوتری کردند، همان‌طور که آب‌زیو را از ما دزدیدند و اسمش را گذاشتند آپولو و هواش کردند، همان‌طور که هواکردن کفتر را از ما دزدیدند و اسمش را گذاشتند هواکردن هواپیما، همان‌طور که آبگوشت را از ما دزدیدند و اسمش را گذاشتند پیتزا، همان‌طور که درشکه را از ما دزدیدند و اسمش را گذاشتند لامبورگینی، همان‌طور که سوزاندن پشکل در تنور را از ما دزدیدند و اسمش را گذاشتند غنی‌سازی انرژی، همان‌طور که بازی‌های گرکم‌به‌هوا و چاله‌شطون را از ما دزدیدند و اسمش را گذاشتند راگبی، همان‌طور که کیاب را از ما دزدیدند و اسمش را گذاشتند گریل و همان‌طور که عشق را از ما دزدیدند و اسمش را گذاشتند لاو، حالا هم روز عشق وعاشقی را که سپندارمذگان نام داشت از ما دزدیدند و اسمش را گذاشتند ولنتاین و به هم خرس هدیه می‌دهند. واقعا که. اما سوفیا... به هر زبان و لهجه‌ای که باشد، من تورا به زبان فارسی دوست دارم. عاشق بی‌زبان تو؛ میدون دوم.



شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۹۷ • ۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۰ • ۱۴ فوریه ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۶۶ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۹ • اذان مغرب ۱۸:۰۳ • اذان صبح فردا ۵:۲۸ • طلوع آفتاب ۶:۵۲

روزنفرها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



آکیم سولماز



قصه‌های شهر

بین‌التعطیلین



گیتی صفرزاده

قدیمی‌ها ضرب‌المثلی داشتند که می‌گفت احترام امام‌زاده به متولی‌اش است. درهرحال، قصد من اصلا نظردادن درباره اعتقادات قلبی و شخصی مردم نیست، بلکه وقتی این مثل را به روزگار امروز تعمیم می‌دهم، این‌طور متوجه می‌شوم که حفظ حرمت بسیاری از قوانین و دستورها و باید و نبایدها به منبع صادرکننده‌اش بستگی دارد. البته در جوامع مدرن امروزی که صادرکننده قوانین، دیگر کدخدای ده نیستند، ساده‌دلانه است اگر بخواهیم با فرد خاصی دست به یقه شویم که چرا کلاحت را کج گذاشته‌ای وقتی امر فرموده‌ای که همه راست‌کلاه باشند اما لابد می‌توان انتظار داشت که متولیان و دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های هر جامعه در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایشان طوری عمل کنند که دفعه بعد پشمی به کلاشان مانده باشد. نمونه شبیه این ماجرا را همیشه متخصصان تربیت و روان‌شناسی به پدر و مادرها گوشزد می‌کنند که برای کودکانشان قوانینی بگذارید که قابل اجرا باشد یعنی همه موارد و مصالح و امکان اجرای آن را در نظر بگیرید.

در غیراین‌صورت دامن‌هاش آن‌قدر گل و گشاد خواهد شد که هربار کودک به شکلی آن را دور می‌زند و می‌فهمد آن قانون، چندان قانون مهمی هم نبوده است و کم‌کم شما به همان ماجرای پشیم و کلاه دچار خواهید شد.

گفتم کودک، یاد تعطیلی چند روز قبل و مبحث شیرین بین‌التعطیلین افتادم. طبق سنت آشنای آریایی، از قبل هم معلوم بود که خانواده‌ها برای این تعطیلی دندان تیز کرده و برنامه سفر و صله رحم و تمدد اعصاب و فرار از دست روزگار غدار را کشیده بودند.

اما وزارت آموزش و پرورش بنا بر مصالحی اعلام کرد که مدارس کشور در روز بین‌التعطیلین دایر است و چندین و چندبار به‌کرات و سفت و قائم خط و نشانش را کشید. نتیجه منطقی ماجرا این شد که مدیران و دبیران به مدرسه رفتند و اغلب با کلاس‌هایی خالی یا کم‌تعداد مواجه شدند. اگر حضور مسئولان مدرسه را در بهترین حالت عمل به وظیفه بدانیم، در هر‌حال دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان تنفقدی به پشیم‌های کلاه آموزش و پرورش نکردند.

البته آنهایی که در خشت خام چیزهایی بیشتر از ما می‌بینند، لابد متوجه هستند که دامنه این رفتار رسیدن به همان ماجرابی است که هرکسی هرکاری بخواهد می‌کند و یک علت مهمش آن است که قوانین وضع‌شده نه مطابق با واقعیت‌ها هستند و نه ضمانت اجرایی دارند.

یاد خاطره دبیر بزرگسواری افتادم که می‌گفت روز قبل از تعطیلی شنیدم که یکی از دانش‌آموزانم به بغل‌دستی‌اش می‌گفت امروز می‌رویم قزوین و تا آخر تعطیلات آنجا هستیم. صدایش کردم و گفتم: اجازه گرفتی؟ گفت: اجازه؟! با اسنپ می‌رویم خانم.



سید ابوالحسن مختاباد روزنامه‌نگار و منتقد

جشنواره موسیقی فجر بعد از ۳۳ دوره صاحب آیین‌نامه‌ای رسمی شد؛ آیین‌نامه‌ای که مجریان آن مدعی‌اند بر اساس آن رفتار می‌کنند و منتقدان نیز بر همان اساس رفتارها را می‌توانند رصد و نقد کنند. در بادی امر، آیین‌نامه، اساسنامه و قانون کاغذپاره‌ای بیش نیستند، اگر مجری آن نخواهد به چنین قرارداد اجتماعی‌ای تن دهد و اجرایش کند، قانون اما یک ویژگی دارد که وقتی به مرحله توافقی دوطرفه رسید، به‌خصوص برای طرف مجری تعهد ایجاد کند. بنابراین بر اساس قوانین بالادستی، همین آیین‌نامه، این ویژگی را دارد که طرف دوم نق‌دش کند و بخواهد و بتواند به مراجع رسمی شکایت برده و مدعی اجرای صحیح و تمام‌وکمال آن باشد. انتشار و ابلاغ قانون و آیین‌نامه‌های «قانون دسترسی آزاد به اطلاعات» نیز نهادهای دولتی را موظف کرده است که نسبت به این‌گونه امور پاسخ‌گو باشند.

سال ۱۳۹۴ که مدیریت وقت جشنواره موسیقی فجر مدعی ایجاد اتاق شیشه‌ای و طرحی ویژه برای این جشنواره شد، بسیاری چراغ‌به‌دست، به جستن طرح و آن اتاق شیشه‌ای خیالی برآمدند، اما هرچه بیشتر گشتند، کمتر یافتند. بعد از آن هم همگان دیدند که آن

یادداشت

جشنواره موسیقی فجر؛ افقی پیدا می‌شود؟

و به زودی رسمیت هم خواهد یافت.

در همین مدت کوتاهی که از انتشار آیین‌نامه و اعلام مدیریت جشنواره گذشته، جامعه موسیقی با نقد خود به راستی‌آزمایی آن پرداختند و البته مدیریت جشنواره نیز پاسخ‌گوی انتقادات بود. اینکه این انتقادات تا چه پایه منای منطقی دارد و پاسخ‌ها تا چه اندازه توانستند افکار عمومی و ناقدان را قانع کنند، محل این نوشته نیست. سخن بر سر چارچوبی است که بعد از سال‌ها بنا گذاشته شد و می‌توان بر اساس همان چارچوب (آیین‌نامه) به نقد فعالیت‌ها پرداخت و حتی تغییرات همین آیین‌نامه را (که در بندی از آن پیش‌بینی شده) خواستار شد. قطعا در آینده نه‌چندان دور باید به تحلیل محتوایی چارچوب جشنواره هم پرداخت و به اعتباربخشی آن مدد رساند. شگفت‌انگیز است جشنواره‌ای با این بودجه و امکانات نتوانسته باشد بعد از ۳۴ دوره به اعتباری بین‌المللی دست پیدا کند؟ یک دلیل آن نداشتن چارچوب و فقدان افق و برنامه‌های درازمدت بوده است.

اکنون اما مهم این است که هر دو سوی ماجرا (دولت – منتقدان/ نهادهای مدنی) حسن‌نیت داشته و به قراردادهای پایبند باشند و منتقدان، چه در قالب تشکلی حقیقی یا رسمی و چه به صورت انفرادی دست از نقد فعالیت‌ها برندارند و بدانند که هويت آنها در نقد، رصد و دیده‌بانی و ارائه گزارش علمی و صادقانه به جامعه موسیقی است و نه چیزی دیگر. به یاد داشته باشیم تمدن میلی‌متری ساخته می‌شود.

زنانی که من دیدهام

ترکی بر کلیشه‌های جنسیتی

زیاد است که از هشت سال پیش سازمان ملل ۲۲ بهمن‌ماه را به عنوان «روز جهانی دختران و زنان در علم» نام‌گذاری کرد چراکه فقط با حضور همه‌جانبه زنان در همه عرصه‌ها، امکان دستیابی به توسعه پایدار فراهم خواهد شد.

متأسفانه همچنان در بسیاری از کشورها به علت حضور پررنگ کلیشه‌های جنسیتی، باور عمومی این است که ذهن زنان، توانایی درک مفاهیم پیچیده علمی را ندارد و خود زنان، اولین کسانی هستند که تمایلی برای تحصیل در این رشته‌ها ندارند. بر اساس آمار یونسکو، کمتر از ۳۰ درصد از محققان در دنیا، زن هستند و حدود ۳۰ درصد از زنان در دانشگاه رشته‌های علوم محض، تکنولوژی، مهندسی و ریاضی را انتخاب می‌کنند و به تبع آن حضور زنان در مشاغل علمی مرتبط حدود ۱۲ درصد است. اما در ایران، زنان در این زمینه هم پیش‌از بوده و کلیشه‌ها را شکسته‌اند، به‌طوری‌که بیش از ۷۰ درصد از دانشجویان رشته‌های علوم محض و مهندسی را دختران تشکیل می‌دهند، طبیعتا در مقایسه با مقیاس جهانی، زنان بیشتری در مشاغل علمی مرتبط فعالیت می‌کنند و مسیر را تا به آنجا باز کرده‌اند که برترین جایزه ریاضی جهان (جایزه فیلدز) را از آن خود کرده‌اند. مریم میرزاخانی که بیشتر ذکر داستان زندگی‌اش در همین ستون آمده، تا امروز اولین زنی است که برنده جایزه فیلدز شده است، او به جهانیان نشان داده برای درنوردیدن مرزهای خلاقیت و علم، جنسیت، نژاد یا هر آنچه در اختیار و انتخاب ما نبوده است، بازدارنده نیست. وجود مریم، انکار قوت قلبی برای جامعه بین‌المللی است تا باز اصرار کند برای دستیابی به توسعه، حضور متوازن زنان و مردان لازم است و بگوید مسیر رشد زنان انتهایی ندارد. مریم یکی از هزاران است، همه دخترانی که با اعتماد به نفس در آن نشست در دانشگاه اصفهان از بلندپروازی‌های خلاقانه‌شان سخن می‌گفتند، نشانه‌هایی هستند از اینکه با اراده و پشتکار می‌توان بر کلیشه‌های متداول جنسیتی ترک انداخت و طرحی نو درداخت.



زهرا عمرانی

چند سال پیش، در کنفرانسی بین‌المللی حضور داشتم که دانشجویان جوان را گردهم آورده بود تا درباره آخرین پژوهش‌ها و دستاوردهای خود در رشته‌های ریاضی و فیزیک صحبت کنند. در این کنفرانس که در شهر زیبای اصفهان به همت دانشگاه و مؤسسه خیره «آراسته» برگزار شده بود، دختران و پسران دانشجوی ا اروپای غربی، شرق آسیا و امریکای شمالی حضور داشتند؛ اغلب دانشجویان دوره کارشناسی ارشد و دکترا که با عنوان «دانشمندان جوان» در این نشست حضور پیدا کرده بودند.

علاوه بر لذت معاشرت و از هم‌آموزی دانشجویان، آنچه بیش از همه توجه میهمانان را به خود جلب کرده بود و مدام درباره آن سؤال می‌کردند، تعداد زیاد دختران دانشمند ایرانی بود. با دختری از دانمارک صحبت می‌کردم که می‌گفت در کل دانشگاه آنها، او تنها دختری است که انتخاب کرده در رشته‌های علوم محض تحصیل کند. باور داشت زنان دانمارکی و اروپایی علاقه‌ای به چنین رشته‌هایی ندارند و برای همین دولت دانمارک و اتحادیه اروپا، مدام در حال تدوین سیاست‌ها و مشوق‌هایی هستند تا زنان را نسبت به ورود به این رشته‌ها ترغیب کنند. پسری از برتغال، دیگری از فنلاند و استادی از کانادا دنبال حرف او را گرفتند. همه مهوت از اینکه چطور در ایران این همه دختر جوان علاقه‌مند به تحصیل در رشته‌های علوم محض و این همه استعداد زنانه در این حوزه وجود دارد. بحث جذابی درگرفته بود، دوستی به‌شوخی می‌گفت: «شاید اشکال در سیاست‌گذاری‌های شماست، گویا سیاست‌های بازدارنده و محدودکننده در این زمینه مؤثرتر بوده است». هر آنچه هست، اهمیت ورود دختران به رشته‌های علمی به‌قدری

برنده آبی

۸ کاربر برای ۱۴ هزار توییت مخالف

که بخشی از تحقیقی گسترده‌تر در مورد فعالیت رسانه‌های اجتماعی ایرانیان مخالف است، چند نکته مشخص می‌شود:

این اجلاس عمدتا به‌عنوان پیشنهاد ایالات متحده برای جلوگیری از همکاری سایر کشورها با ایران مورد توجه قرار گرفته است.علاقه‌مندان از هشتک WeSupportPolandSummit# استفاده کرده بودند. تجزیه و تحلیل بیش از ۱۴ هزار توییت از ماه گذشته که از این هشتک استفاده کرده‌اند، نشان می‌دهد که اکثریت پست‌ها فقط از هشت حساب کاربری صادر شده است. به نظر می‌رسد این اتفاق ایجاد یک روند مصنوعی است که الفاکتنده حمایت مردم از اجلاس و به تبع آن نارضایتی گسترده از قدرت مستقر در ایران باشد. از سوی دیگر دیروز در آستانه این نشست سبب شد تا کاربران بار دیگر به روابط دوستانه ایران و لهستان اشاره کنند و از خواهرخواندگی ورشو و اصفهان یاد کنند و همین‌طور حضور برخی شخصیت‌های ورشکسته ایرانی در این نشست را به تمسخر بکشاند. البته براندازها توییت‌های بازمه دیگری هم داشتند و خود را از حمله به سفارت لهستان در تهران باخبر می‌دانستند؛ حمله‌ای که هیچ‌وقت رخ نداد.

حسانا یوسفی؛ دیروز کنفرانس ورشو در حالی برگزار شد که قرار بود مخالفت با جمهوری اسلامی ایران هدف آن باشد، اما اتفاقی که افتاد این بود که مدتی مانده به آغاز مراسم، وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌اش در مورد نشست #لهستان به کلی کلمه ایران را حذف کرد و به‌این‌ترتیب کنفرانس لهستان با عنوان «آینده صلح و امنیت در خاورمیانه» و در چهار محور اصلی و بدون توجه ویژه به ایران آغاز شد، هرچند میهمانان ایرانی مراسم همه از مخالفان مشهور نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند. در شبکه‌های اجتماعی دراین‌باره تحلیل شد که با رازنهی‌های انجام‌شده دیپلمات‌های اروپایی گفته بودند اگر این کنفرانس بر ایران متمرکز باشد، در آن در سطح وزیر خارجه شرکت نمی‌کنند، اما اتفاق دیگری نیز در شبکه‌های اجتماعی رخ داد و بار دیگر حمله کاربران فیک برای توجه ویژه به یک موضوع مشخص شد. این‌بار توییتز مونیتور بی‌بی‌سی به تحلیل ۱۴ هزار توییت که قرار بود حامی این نشست باشند پرداخت و نتیجه گرفت اکثر این توییت‌ها از هشت کاربر صادر می‌شود.

به گزارش بی‌بی‌سی، طبق ارزیابی عمیق رسانه‌های اجتماعی اپوزیسیون ایران در مورد نشست لهستان